



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۱/۳۰

عبدالقیوم میرزاده

## نگاهی به کتاب پومپئو

مسئولین سازمان استخبارات مرکزی امریکا CIA هر از گاهی بمنظور ذهنیت سازی بین المللی و تحت تأثیر قرار دادن افکار عامه بین المللی دست به اجرای مانورهای تبلیغاتی تدابیر فعال زده و بر علاوه پخش اخبار کذایی از رویدادها و اتفاقات به پخش و نشر کتابها از جانب کارمندان ارشد و مسئولین این سازمان میپردازند. که نشر کتاب مایکل ریچارد پومپئو سابق رئیس سازمان استخبارات مرکزی امریکا و بعداً وزیر خارجه امریکا زیر عنوان «بیک ذره هم کوتاه نیا: مبارزه برای آمریکایی که دوست دارم» بدون شک در همین راستا منتشر گردیده است.

من هنوز این کتاب را تا اخیر نخوانده ام اما از یک نگاه گذرا به این کتاب این نتیجه رسیدم که نویسنده و همچنان گردانندگان پشت پرده این تدابیر فعال استخباراتی بدین ترتیب تلاش دارند افکار عامه بین المللی را از حقایق همسویی شان با ترویرزم بین المللی در مسئله افغانستان طالبان، داعش، جنبش ترکستان شرقی، جیش محمد و سایرین منحرف سازند و بر علاوه شخصیت های آگاه کشور ما را که یقیناً داشته ها و خاطرات شان در سر نوشت آینده کشور ما احتمالاً نقش بیدار کننده برای مردم ما داشته باشند با چنان کلمات زشت و اهانت آمیز معرفی میکنند که سراسر مغایر اصول و ضوابط رعایت حقوق انسانی، روابط بین المللی و اصول ژورنالیستیک بوده و هر جمله آن نه تنها شخصیت های افغان را مورد اهانت قرار داده بلکه ملت ما را زبون، فساد پیشه و فرومایه معرفی کرده است. آن فرهنگ منحط فساد، رشوه، وطنفروشی و غلامی را که خود این فرومایگان از شروع تجاوز بنام جهاد علیه افغانستان در میان غلامان جهادی خویش آغاز و بعد از سال ۲۰۰۱ در میان کتله های بیشتتری از غلامان و نوکران خاین و وطنفروش خویش چون ربانی، سیاف، گلبدین، مجددی، خانواده گیلانی، خانواده احمد شاه مسعود، فهیم، دوستم، معلم عطا، عبدالله، قانونی، تورن اسمعیل، کرزی و خانواده اش، میر رحمان رحمانی، خلیلی، سید منصور نادری، محقق، گل آقا شیرزوی، سالنگی ها و دیگران نهادینه ساختند و این غلامان حلقه بگوش خود را در سراسر سیستم اداره دولت دیروزه اشکال حاکمان مستقیم دولتی و هم در ساختارهای موازی دولت منحصیث مراکز فشار سراپا مسلح ساختند. این وطنفروشان خاین تحت حمایت مستقیم امریکا خاصاً در بیست سال اخیر سیطره امریکا در افغانستان از راه پول وطنفروشی که از امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، پاکستان، هند، ایران و دیگران همچنان از راه فساد، رشوه، زور گویی، غصب جایداد های ملی و جایداد های اشخاص، دزدی، قاچاق مواد مخدر و انسان بدست می آوردند، صاحب بزرگترین مجتمع های مسکونی در داخل افغانستان، دویی، ترکیه، انگلستان و سایر نقاط دنیا شده اند و همچنان بزرگترین مارکیت های خرید و فروش سنگهای قیمتی را صاحب گردیده اند. حتی همین اکنون عده از این وطنفروشان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

در معاملات پنهانی با عده از قوماندانان محلی طالبان در ولایات نورستان، کنر، هلمند، پکتیکا، بدخشان و یکعده ولایات دیگر سنگهای بارزش منرالها را که در صنعتاً تکنالوژی کمپیوتر حافظه ها و آخذه ها موارد استفاده فراوان دارند بصورت قاچاق از کشور ما به پاکستان، جمهوریت های آسیای میانه و ایران انتقال داده و به مشتریان شان تحویل میدهند. اخبار منتشره تاند مؤرخ ۲۲ جنوری ۲۰۲۳ از گرفتاری پنج نفر در ولایت ننگرهار که دو نفر چینیایی نیز شامل آنها میباشد با محموله یکهزار تن سنگهای لیتیوم دار خبر میدهد.

اما امریکایان در طول مدت سیطره شان در افغانستان و تا کنون از این وطنفروشان حمایت همه جانبه کرده دیروز آنها را در مسند قدرت نگهداشته بودند، در جریان مذاکرات شان با طالبان تلاش مضاعف داشتند تا این گروه وطنفروش را در حاکمیت طالبان نیز تعبیه کنند که خوشبختانه بلااثر مانور رهبری ملی اندیش حاکمیت دیروز این پلان خنثی و از همان بدو حاکمیت طالبان تا امروز با ذرایع مختلف امریکایان و سازمان استخبارات مرکزی امریکا تلاش دارند تا زیر نام حکومت وسیع البنیاد، اشتراکی و ... این گروه خبیث وطنفروش غلام خویش را بر اریکه قدرت نشانند. امریکایان و متحدین غربی اش در این همه مدت هیچگاهی در هیچ نشریه ای نام این وطنفروش، زورگوی، غاصب، قاچاقبرو فساد پیشه را مطرح نکرده اند اما از روزپیروزی اشرف غنی در انتخابات ۲۰۱۴ تا کنون هر معضل افغانستان را تا سرحد تسلیمی قدرت به طالبان که خود و تیم غلامان شان در آن مستقیماً مسئول اند بدوش اشرف غنی انداخته و خود و تیم غلامان خود را بری الذمه قلمداد میکنند!

سیاست حاکم در اندیشکده امریکایان در قبال افغانستان از سال ۲۰۰۹ چنین طرح شده بود: «در جامعه سنتی افغانستان گروه های تروریستی بصورت ریشه دار عمل میکنند و اتحاد ملت بدور یک دولت با اساسات دیموکراتیک محال است». طراحان این نسخه بوسیله خلیل زاد، جان بس سفیر آنزمان ایالات متحده امریکا در افغانستان، اسکات میلر قوماندان عمومی قوت های امریکا در افغانستان و سایر عمال رسمی شان بمنظور بی ارزش ساختن تبعات دیمو کراسی نوپای کشور و تضعیف اداره دولت در سال ۲۰۱۴ بعد از انتخابات برای عبدالله دلقک معلوم الحال خویش که در عین حال مهره پاکستانی نیز میباشد وظیفه دادند تا با همکاری با سایر زور گویان تنظیمی، مفسدین، غاصبین، دزدان و قاچاقبران که در این همه سال مزد بگیران اداره دولت امریکا و پاکستان بودند در برابر انتخابات و رای مردم قرار گرفته و آخر الامر به دستور بادران امریکایی اش حکومت (وحدت ملی) که در حقیقت کمر ملت را در برابر تجاوز بیگانه شکستاند و دیموکراسی را بدنام ساختند، ایجاد کردند. به طریقه های مختلف پروسه دولت سازی و تحکیم پایه های دولت ملی را لرزان ساختند و در این همه سالها در برابر تمام اقدامات که در راستای منافع ملی جریان داشت موانع ایجاد کرده و فساد گسترده را در تمام ساحات اقتصادی و اداره کشور جاری نگهداشتند. همچنان باتمام ذرایع به شمول تهدید منافع ملی کشور از فساد پیشگان حمایت همه جانبه کردند. همچنان امریکایان و همین آقای نویسنده مایک پومپئوبا تبلیغ خروج قوای خویش از افغانستان وضعیت را برای آزماندن منطقوی طوری مهندسی کردند که در جنگ داخلی افغانستان آنها بهتر میتوانند به منافع شان نایل آیند. در این نسخه ها پاکستان نقش ژاندارم را بازی میکرد و گروه های تروریستی فعال در افغانستان چون طالب، داعش، القاعد، جنبش اسلامی ترکستان شرقی، جنبش اسلامی ازبکستان و سایر تروریستان که همه در مدارس بنیاد گرایی پاکستان آموزش دیده و از جانب سازمان استخبارات نظامی پاکستان تعلیم و تربیه تروریستی گردیده اند گرداننده گان اهداف پسا امریکا را در افغانستان و منطقه میباشدند. آنها در تحت همین نظریه منحط ضد افغانی پنجهزار زندانی طالب را با تهدید و فشار از زندان ها رها کرده و لشکر طالب را اکمال و آماده تسلیم گیری قدرت ساختند. آنها در تحت همین نظر حاکم تا توانستند بوسیله غلامان حلقه بگوش شان که عده شان را در بالانام گرفتیم اساسات دیموکراتیک را در جامعه با تقلب و فساد بدنام ساختند و به همه پیشنهادات دولت جمهوری افغانستان جواب رد داده و در صدد تضعیف و نابودی حاکمیت افغانستان از مجاری مختلف بودند که

تاریخ و جهانیان شاهد این حرکات خصمانه شان بود و است. تیم جمهوریت خاصاً اشرف غنی از همان بدو طرح مخالف این نظریه منحنی ضد افغانی بوده و در مقابل آن ایستادگی کرد، که خشم امریکایان را برانگیخت و تا امروزه ذرایع مختلف خاصاً از طریق پخش اکاذیب چنین وانمود میسازند که گویا سراسر خود شان بی تقصیر بوده و تنها اشرف غنی بار این همه مسئولیت را بدوش دارد؟!.

امریکایان در وجود خلیل زاد، جان بس، میلر، پومپئو و دیگران هر جفنگی که میسرایند با در نظر داشت منافع خودشان بوده و «بخاطر امریکایی که آنها دوست دارند» مطرح میگردد. اما تأسف فراوان در آنست که مردم ما با وصف دانستن این همه ماجرای خصمانه ضد افغانی امریکایان و همه خارجی های آزمند هنوز هم به دهل آنها رقصیده و از قلم بسیاری از تحلیل گران و نویسندگان پیوسته خوانده میشود که در برابر منافع علیای ملی قرار گرفته در همسویی با خارجیان و سیاست هایشان تیشه بریشه منافع علیای ملی میزنند. چنانچه روزنامه ضد ملی هشت صبح بخشهای از این چرندیات پومپئو را با آب و تابش از قلم امین کاوه منتشر و چرندیات تبلیغاتی امریکایی بیشتری را به آن کتاب اضافه کرده است که پومپئو آنرا فراموش کرده بود در کتابش بیآورد.